

‎ 	
شنبه ۱۵ آذر ۱۴۰۴ وطن‌امروز شماره ۴۴۸۰	
ورزشی	
خبر	

تثبیت جایگاه ایران میان بزرگان کاراته جهان

۶ستاره ایرانی

پس از پایان رقابت‌های جهانی کاراته، تازه‌ترین رنکینگ فدراسیون جهانی منتشر شد و ایران بار دیگر نشان داد نسل جدید کاراته‌کاهایش در مسیر اوج‌گیری قرار دارند. ۶ نماینده کشورمان اکنون در فهرست برترین‌های جهان جا گرفته‌اند؛ موفقیتی که‌نظیر که نتیجه عملکرد در خشان ملی‌پوشان در قاهره است.

در بخش بانوان، اوتسا گلشاندزاد که چند روز پیش باطلای تاریخی خود ناشی را در کاراته ایران حک کرد، حالا با ۴۹۹۵ امتیاز صدرنشین وزن ۶۱– کیلوگرم شده است. رسیدن او به رنکینگ شماره یک دنیا مهر تأییدی است بر جهشی که کاراته بانوان ایران تجربه می‌کند. در کنار او سارا بهمنیار نیز با کسب مدال برنز و ۴۱۵۰ امتیاز، رتبه دوم وزن ۵۰– کیلوگرم را به دست آورد و باز هم ثابت کرد یکی از چهره‌های پابدار تیم ملی است. فاطمه‌سعادت‌ی در ۵۵– کیلوگرم با ۳۴۶۰ امتیاز چهارم جهان شد و فاطمه صادقی نیز در کاتای انفرادی بانوان با ۳۰۴۰ امتیاز به رتبه ششم رسید تا حضور بانوان ایران در جمع نتجگان تکمیل شود.

در بخش مردان نیز صالح ابازری پس از نایب‌قهرمانی جهان، با ۳۸۱۰ امتیاز در جایگاه سوم وزن ۸۴– کیلوگرم قرار گرفت.علی‌مسکینی هم‌با۲۷۵۵ امتیاز جایگاه پنجم وزن ۶۰– کیلوگرم را از آن خود کرد.

هرچند سایر نمایندگان کشورمان فعلاً خارج از جمع ۱۰ نفر نخست اوزان دیگر هستند اما عملکرد در قاهره بار دیگر ثابت کرد ایران در حال تبدیل شدن به یکی از تیم‌های قدرتمند کاراته جهان است؛ جایی که ۶ ستاره ماروی سکوی رنکینگ جهانی می‌درخشند.

گزارش

تکذیب صریح دستور عدم صعود تیم ملی به جام جهانی رد یک روایت

ادعایی که چند روز پیش از سوی بهروز رهبری‌فرد مطرح شد، مثل جرغهای در فضای فوتبالی کشور پیچید و موجی از واکنش‌ها را به راه انداخت. او مدعی شد ۲۴ سال قبل از بازی، در یکی از حساس‌ترین بازی‌های مقدماتی جام جهانی ایران مقابل بحرین پیامی از تهران به کادر فنی رسیده که بهتر است تیم ملی در دیدار برابر بحرین شکست بخورد؛ادعایی که اگر درست بود، معنایی فراتر از یک مساله فوتبالی داشت اما حالا، مقام اصلی ورزش کشور در آن دوران، با فاطمیت تمام این روایت را زیر سؤال برده است.

محسن مهرعلیزاده، چهره ارشد ورزش دولت وقت و رئیس سازمان تربیت بدنی، در واکنش به سخنان رهبری‌فرد با لحنی صریح گفت چنین موضوعی نه‌تنها صحت ندارد، بلکه حتی تصور هم غیرممکن است. به گفته او، در تمام سال‌هایی که سکان مدیریت ورزش را در دست داشته، کوچک‌ترین نشانه‌ای از چنین سفارش یا توصیه‌ای وجود نداشته است.

■ **تعجب کردم؛ چنین چیزی محال بود**

مهرعلیزاده توضیح می‌دهد: «وقتی صحبت‌های ایشان را شنیدیم، واقعا شگفت‌زده شدم. ما در آن مقطع زمانی همیشه به دنبال پیروزی تیم ملی بودیم. هر برد ملی‌پوشان موج خوشحالی در جامعه ایجاد می‌کرد و فضای کشور را امیدوارتر می‌ساخت. چطور ممکن است دولت یا سازمان ورزش بخواهد چنین سرمایه اجتماعی بزرگی را نادیده بگیرد؟»

او تأکید می‌کند در جلسات کاری، دیدارهای غیررسمی، گزارش‌ها و تمام ارتباطات بین فدراسیون و دولت، هیچ‌گاه موردی مطرح نشد که نتیجه بازی‌ها تحت تأثیر دستور سیاسی قرار گیرد. آن دوره، فوتبال به عنوان یکی از اصلی‌ترین مسیرهای شکل‌گیری شور اجتماعی شناخته می‌شد و طبیعی است بدنه دولت به دنبال تقویت این نیرو باشد، نه تضعیف آن.

■ **برد تیم ملی فوتبال سرمایه ملی بود**

رئیس پیشین سازمان تربیت‌بدنی در ادامه فضای آن سال‌ها را شرح می‌دهد: «جامعه در آن دوران تشنه موفقیت‌های ملی بود. فوتبال یکی از معدود بخش‌هایی بود که می‌توانست مردم را کنار هم قرار دهد و موج همبستگی ایجاد کند. بنابراین توصیه به باختن، هیچ ارتباطی با منطق سیاسی یا اجتماعی آن سال‌ها ندارد.» از نگاه او، شکست برابر بحرین ضربه‌ای به حیثیت ورزشی کشور بود و به همین دلیل، فرضیه اینکه کسی بخواهد چنین نتیجه‌ای را رقم بزند، از اساس غیرعقلانی به نظر می‌رسد.

■ **توضیح درباره شرایط سیاسی و فنی بازی**

مهرعلیزاده در ادامه به نکته مهم دیگری اشاره می‌کند: «نه در سطح دولت مشکلی وجود داشت، نه دلیل ورزشی. آن مسابقه بخشی از مسیر صعود به جام جهانی بود و همه انتظار یک نمایش قدرتمند را داشتند. حتی اگر کسی بخواهد ادعای آقای رهبری‌فرد را بررسی کند، کوچک‌ترین پیوندی بین آن زمان و چنین ادعایی پیدا نمی‌کند.»

او تأکید می‌کند در سال‌های مدیریت او، استقلال فنی سرمربی تیم ملی همواره محترم شمرده شده‌و هیچ دخالتی در سلیقه تاکتیکی یا نتیجه‌گیری وجود نداشته است.

■ **برای تاریخ می‌گوییم: این حرف نادرست است**

مهرعلیزاده در پایان به یک نکته قطعی اشاره می‌کند: «برای شفافیت تاریخی لازم است بگوییم این روایت کاملاً بی‌پایه است. نه من، نه دولت، نه مجموعه ورزش، هیچ‌کدام تمایلی نداشتیم تیم ملی نتیجه‌ای غیر از پیروزی بگیرد. همیشه هدف ما این بود که تیم ملی با تمام توان بجنگد و مردم ایران بعد از هر مسابقه خوشحال‌تر شوند.»

با این سخنان، پرونده یکی از جنجالی‌ترین ادعاهای روزهای اخیر به نقطه تازه‌ای رسیده؛ جایی که روایت رسمی مدیر ارشد وقت کاملاً در تضاد با گفته‌های رهبری‌فرد قرار می‌گیرد. اینکه افکار عمومی کدام روایت را بالا رود موضوعی است که بی‌تردید در روزهای آینده همچنان محل بحث و تحلیل خواهد بود.

‎ 	
جمعه‌ای که همه چشم‌ها به اراک دوخته شده بود، آنچه انتظار می‌رفت یک جنگ واقعی باشد، در نهایت بیشتر شبیه قدم زدن ۲ تیم روی زمین اضطراب بود؛ گام‌هایی لرزان، پاس‌هایی محتاط و ۲ تیم که فقط آمده بودند «باززند» نه اینکه «بپرند».	
مهدی مرسلی	

دربی شماره ۱۰۶ جای آنکه با پیروزی طلبی، زخمی روی یکی از ۲ تیم بزرگ پایتخت بگذارد، مثل قطره آبی روی سنگ داغ تب فوتبال تبخیر شد. یک مساوی خشک، بی‌هیجان، سردتر از هوای آذر، درست همان جایی که هوادار برای لحظه‌ای فریاد می‌خواهد و زمین چمن برای یک انفجار عاشقانه آماده است اما بازیکنان به جای شلیک، آتش را در سینه نگه می‌دارند.

فوتبال گاهی نه برنده می‌خواهد، نه تاکتیک درخشان؛ فقط یک جرغه کوچک لازم دارد اما در این بازی از همان سوت داغ آغاز مشخص بود همه چیز روی پاشنه ترس می‌چرخد. ۲ نیمه گذشت و تنها چیزی که در ذهن‌ها ماند، صدای برخورد توپ با زمین خشک و رنگ‌پریده ورزشگاه اراک بود؛ زمینی که بیشتر شبیه مزرعه‌ای پاییزی بود تا چمن فوتبال حرفه‌ای. چمنی زرد، پر از وصله و ششادی خاموش بر نمایش مردرد و هراس‌آلود ۲ سوی میدان. پرسپولیس شروع کننده بازی بود؛ توپ را در مالکیت داشت اما نه فکری برای خلاقیّت داشت و نه شهامتی برای شکستن قفل آبی‌پوشان. استقلال نیز چشم‌انتظار لغزش حریف، با امید به ضدحملات تیز. آسانی چند بار خودش را به محوطه رساند، ضربه زد، تهدید کرد ولی نیازمند مثل دیواری سرد در مقابلش ایستاد. چند دقیقه جذاب، جرغه‌هایی پراکنده اما هیچ چیز آنقدر خطرناک نبود که

باید در همان ثانیه کوتاه شکارش کرد. پرسپولیس شکار نکرد، استقلال هم زهر نداشت. نتیجه قابل پیش‌بینی‌ترین پایان ممکن؛ مساوی؛ آن هم بدون گل. بازی‌ای که نه برای پیروزی آماده شده بود و نه برای شکست. تنها برای یک امتیاز؛ اغلب همیشگی بی‌مزه! در پایان، جدول خندان به سمت سپاهان چرخید. آبی‌ها در رده دومند و پرسپولیس پشت سرشان، با فاصله‌ای که فقط با شجاعت می‌شد بلعید اما دیروز در داری به اثری از دلاوری نبود، نه عطش. تعداد پاس‌های عرضی از تعداد موقعیت‌ها بیشتر بود. تاکتیک‌ها روی کاغذ زیبا بودند اما روی چمن سرد ماندند. دربی ۱۰۶ شاید دقیق‌ترین تعریفش همین باشد: مسابقه‌ای که اگر «جسارت» داشت، همه چیز داشت.

وقتی سوت پایان زده شد، بازیکنان ۲ تیم نفسی به راحتی کشیدند: خدا را شکر باختیم! اما هواداران فقط به این پرسش فکر می‌کردند: آیا ممکن است دربی بعد پایان این احتیاط بیهوده باشد؟ فوتبال سرمای فصل را با یک آتش واقعی می‌خواهد. دربی‌ها برای این نیست که بگویم «بناختمیم»، برای این است که فریاد بزیم «برديم» اما این بار هم ۲ تیم خیلی راضی و خشنود، فقط یک امتیاز به جیب زدند و یک عالم سوال بی‌پاسخ باقی گذاشتند:

– چه کسی قرار است بالاخره در این بازی شمشیر از غلاف بکشد؟

– کی دوباره شه‌آورد سرخ و آبی از شادی می‌لرزد؟ – و مهم‌تر از همه، چه زمانی ترس از دل این مثلاً ۲ غول فوتبال بیرون خواهد رفت؟

تا آن روز، این مساوی مطابق اغلب مواقع، نه طعم شیرین برد داشت، نه زهر تلخ باخت؛ فقط مزه خنثای شکست نخوردن را داد!



فشارهای ترامپ تنها به داخل آمریکا محدود نیست، رابطه او با مکزیک و کانادا پر تنش شده؛ تعرفه‌های سنگین تجاری، تهدیدهای لفظی درباره کارتل‌ها و حتی اشاره به طرح‌های نظامی علیه مرز جنوبی، همکاری سه‌جانبه لازم برای چنین میزبانی بزرگی را با چالش روبه‌رو کرده است. وقتی بزرگ‌ترین تورنمنت جهان بر پایه هماهنگی کشورها بنا شده، ارزش هر ضلع می‌تواند به سیستم شوک وارد کند. با وجود همه این تهدیدها، کارشناسان معتقدند احتمال لغو جام‌جهانی نزدیک به صفر است ولی هیچ کس نمی‌تواند انکار کند فضای کنونی بر کیفیت تجربه هواداران، حجم سفرهای بین‌المللی و درآمد نهایی فیفا تأثیر مستقیم دارد. توقع می‌رفت جام ۲۰۲۶ جشن فوتبال باشد اما سیاست‌های ترامپ آن را در مسیر نگرانی، هزینه‌های بیشتر و دیپلماسی اضطرابی قرار داده است.

فیفا و ۳ میزبان حالا باید فراتر از برنامه‌های ورزشی عمل کنند؛ آنها باید بحران را مدیریت، اعتماد جهانی را بازایابی و امنیت میلیون‌ها مسافر را تضمین کنند. بزرگ‌ترین جام‌جهانی تاریخ همچنان ممکن است یک افتخار باشد اما اگر دیپلماسی و کنترل بحران جدی گرفته نشود، خطر این وجود دارد در یادها با عنوان دیگری ثبت شود: «جام جهانی با بحران ترامپ».

می‌دهد سازمان شانگهای راهبرد دیگری را برگزیده است؛ این راهبرد که بلوک شرقی هم می‌توانند و هم باید تعریف خود از تروریسم را داشته باشند.این گزاره موقعی اهمیت می‌یابد که طی ماه‌های اخیر، برخی کشورها مانند استرالیا با تروریستی خواندن سپاه پاسداران سعی در جلب رضایت آمریکا و رژیم صهیونی داشته‌اند اما برگزاری رزمایش ضدتروریستی «سهند ۲۰۲۵» به میزبانی سپاه پاسداران نشان می‌دهد نه چین و روسیه و نه دیگر اعضای سازمان شانگهای، این اقدامات ضدیرانی را تأیید نکرده و اساساً برخلاف راهبرد تعیین شده آنان حرکت می‌کنند. به این ترتیب، ارائه تعریفی کاملاً شرقی از تروریسم را می‌توان یکی از مهم‌ترین پیامدهای برگزاری رزمایش ضدتروریستی اعضای شانگهای دانست.

سواران سیگنہ استاد روابط بین‌الملل در دانشگاه جواهر لعل نهرو مستقر در دهلی‌نور در تحلیل رزمایش «سهند ۲۰۲۵» این اتفاق را فرصتی برای هند می‌داند تا تعامل خود را با ایران به عنوان شریک استراتژیک دیرینه، عمیق‌تر کند. به نوشته TRT ترکیه، این مفسر ژئوپلیتیک تصریح کرد: «این بویزه فرصتی عالی برای نیروهای مسلح هند است، زیرا ایران اخیراً با ایالات متحده و اسرائیل درگیری‌های نظامی جدی داشته است که درس‌های مهمی برای هند دارد».

زور استقلال و پرسپولیس به یکدیگر نرسید

زیر صفر

تساوی ملال‌آور و بدون گل سرخابی‌ها در دربی سرد اراک

قرار است مسابقه بالاخره شعله بکشد اما تنها چند دقیقه بعد همه چیز دوباره ساکت شد. انگار ۲ تیم با یک سیم نامرئی به عقب کشیده می‌شدند. «بی‌گلی» مثل یک سایه سنگین روی سر مسابقه نشستۀ بود. در این میان ستاره‌هایی که قرار بود بازی را امضا کنند، محو و کم‌نور بودند. آسانی وینگر چشم‌نواز همیشگی نبود، منیر مثل مسافر گمشده در زمین راه می‌رفت و ارونوف و علیپور فقط نام‌هایی روی برگه ترکیب بودند. مربیان هم ردای ریسک نبوشیدند و دست به تغییر چندان‌ی زدند؛ از ۱۰ تعویض ممکن برای ۲ تیم، ۳ تغییر دیده شده؛ اوسمار فقط ۲ تعویض و سابی تنها یک تعویض کردند! بی‌آنکه نیش تیم‌شان تیزتر شود. انگار هر ۲ مربی بیشتر به رسیدن هر چه زودتر دقیقه ۹۰ می‌اندیشیدند تا دروازه حریف.

پرسپولیس بالاخره در اواخر بازی بیدار شد. یک اوج دبیرس، یک همکاری خوب و توپ آخر که بی‌قوما با تمام توان کوبید اما ضربه‌اش از فراز دروازه گذشت و آهی از سکوی‌های دستدار رنگ سرخ بلند شد. درست همان لحظه‌ای که مسابقه می‌توانست سرنوشت پیدا کند، سرنوشت پشت کرد. فوتبال بی‌رحم نیستت ولی دروازه منتظر نمی‌ماند؛



و جدال بدون گل پایان یافت. خبر با این تساوی شانس مهم صعود را از دست داد و شمس‌آذر نیز فراتر از یک امتیاز عادی نگرفت. ■ **توقف دیگر؛ صدر دور تر شد** سومین تساوی بدون گل روز پنجشنبه در اردکان رقم خورد. چادرملو اگر می‌برد می‌توانست در بالای جدول بماند اما نیمه دوم بر حمله این تیم هم کارساز نشد. ذوب‌آهن با دفاع سازمان‌یافته توانست امتیاز بگیرد و چادرملو با ۱۸ امتیاز در رده چهارم باقی ماند. آغاز هفته دوازدهم با ۳ تساوی بدون گل و تنها یک گل چهره‌ای غیرمنتظره داشت؛ مدعیان لغزیدند، پیکان اوج گرفت و گل نزدن داستان اصلی روز بود.



تغییر میزبان می‌تواند هزینه‌های میلیاردی ایجاد کند و فیفا را از آستانه یک بحران لجستیکی گسترده قرار دهد. استقرار گارد ملی در برخی ایالت‌ها و تشدید عملیات پلیس مهاجرت نیز فضای اجتماعی را ملتهب کرده و هراس در میان جامعه لاتین‌تبار را افزایش داده است؛ موضوعی که ممکن است تورنمنت را به جای یک جشن جهانی، تبدیل به رویدادی تحت سایه نیروهای امنیتی کند.

قبل قابل قیاس نیست. در اهمیت این رزمایش همین بس که وینگاه نشنال اینترست اواخر مهر در گزارشی تحلیلی نوشت: بازگشت آمریکا به پایگاه هوایی بیگرام در افغانستان – که دونالد ترامپ آن را اعلام کرده – نشانه‌ای از تغییر استراتژی واشنگتن از مبارزه با تروریسم به رقابت با قدرت‌های بزرگ است. این پایگاه در موقعیتی استثنایی قرار دارد. هزار مایل از تهران، ۴۰۰ مایل از سین کیانگ چین و کمتر از ۸۰۰ مایل از بندر گوادر پاکستان فاصله دارد. از همین نقطه، آمریکا می‌تواند ایران، چین و حوزه نفوذ روسیه را به طور همزمان زیر نظر بگیرد؛ امری که از نظر جغرافیای سیاسی، افغانستان را از یک کشور جنگ‌زده به مرکز ثقل جدید ژئوپلیتیک تبدیل می‌کند. اما جدا از هر موضوعی، مهم‌ترین هدف این رزمایش «سهند ۲۰۲۵» را باید در حوزه ایدئولوژیک آن جست‌وجو کرد. با توجه به رزمایش سال قبل در چین و برگزاری رزمایش امسال در ایران، می‌توان گفت شانگهای به دنبال تعریف مستقل از تروریسم است. «تروریسم» که در حالی که غربی‌ها بویژه آمریکا طی دهه‌های گذشته تروریسم را به تروریسم خوب – مانند گروهک منافقین یا گروهک‌های تجزیه‌طلب در شرق و غرب ایران – و تروریسم بد – یعنی گروه‌های محور مقاومت در منطقه – تقسیم‌بندی کرده‌اند، برگزاری این رزمایش نشان

تماشاگر بلند شود و بگوید: «این همان دربی است». ۱۰ دقیقه اول بد نگذشت اما انگار بازیکنان بلافاصله یادشان رفت دربی یعنی چه! توپ بین خطوط می‌چرخید، بدون قصد حمله و گلزنی، بدون خلاقیت. شبیه جلسات اداری که همه فقط منتظر پایشن هستند. ۲ تیم گویی فقط برای تیک خوردن یک مسابقه آمده بودند. مربیان کنار خط سکوت می‌کردند؛ انگار دل‌شان با هر حمله حریف می‌لرزید. وقتی فوتبال از شجاعت خالی شود، فقط سایه‌ای از خودش باقی می‌ماند و اینجا دقیقاً همان سایه روی چمن اراک افتاده بود. نیمه اول هیچ قاب ماندگاری تمام شد؛ در دربیل هیجان‌انگیز، نه پاس عمقی برنده، نه لحظه‌ای که تماشاگر مجبور شود نفس را در سینه حبس کند. تنها شوت آسانی بود که برای یک لحظه تنها‌ش را بالا برد اما توپ آرام از کنار تیر رد شد و بازی دوباره به خواب رفت.

با شروع نیمه دوم استقلال شجاع‌تر بود. چند حمله، ۲ فرصت طلایی و فریادهایی که نزدیک بود دهن‌های خسته را باز کند. نیازمند در آغاز این نیمه (دقیقه ۵۰) ناجی سرخ‌ها شد و تک به تک سرخرخیزان را گرفت. اینجا به نظر رسید



گزارش ۴ بازی ابتدایی هفته دوازدهم لیگ بر تر
توقف عجیب تراکتور در خانه
■ **دومین برد پیکان با ضربه به سیرجان** در سیرجان، پیکان با برنامه‌ای دقیق و دفاعی منسجم توانست گل گهر مدعی را غافلگیر کند. تیم تار تار شروعی هجومی داشت اما دقیقه ۴۳ یک ضدحمله برق‌آسا برای پیکان پنالتی ساخت و سجاد جعفری از ۳ امتیازی رازد نیمه دوم میزبان فشار زیادی آورد اما انسجام دفاعی و عملکرد خوب دروازه‌بان پیکان اجازه بازگشت نداد. این برد دومین پیروزی متوالی شاگردان دقیقی بود و گل گهر را از نزدیک شدن به صدر دور کرد. ■ **پنالتی صدر رفت، حسرت بزرگ** در خرم‌آباد، خیبر بهترین موقعیت مسابقه را از دست داد. دقیقه ۶۵ مهرداد فنبری پشت نقطه پنالتی قرار گرفت اما توپ به تیر خورد



اعلام کرده این امتیاز به معنای صدور ویزا نیست. یعنی صدها هزار هوادار هنوز در بلاتکلیفی‌اند و گرفتن ویزا ماه‌ها زمان می‌برد. در کنار این، ترامپ بارها تهدید کرده مسابقات شهرهای دموکرات‌نشین مانند لس‌آنجلس، سان‌فرانسیسکو و سیاتل را به شهرهای دیگر منتقل می‌کند؛ شهرهایی که بلیت فروخته، هتل‌ها پر شده و هواداران برنامه‌ریزی کرده‌اند!

از چنین نظر گاهی است که معنای جنگ ۱۲ روزه برای چین، روسیه و دیگر اعضای شانگهای فقط تهاجم به ایران نبود، بلکه نشانه‌ای از نبرد بر سر آینده نظام بین‌الملل بود. ترامپ در راستای سیاست‌های تهاجمی خود، تلاش کرده به‌رغم شعار خروج از منطقه، حضور خود در غرب آسیا را بیشتر کند. افزایش حضور نظامی در سوریه، حضور یک اتاق فرماندهی از افسران سنتکام در تل‌آویو و حتی زمزمه‌های تاسیس پایگاه نظامی آمریکا در منطقه حائل میان غزه و رژیم صهیونیستی، المان‌هایی است که برای اعضای سازمان همکاری شانگهای بسیار حیاتی است. دولت ترامپ که رسماً از قواعد آمریکاساز نظم جهانی عبور کرده، به وضوح تلاش می‌کند حوزه نفوذ روسیه و چین در آسیای میانه و شبه‌قاره را تقلیل دهد. تقلاى واشنگتن برای حضور در بگرام افغانستان و دعیدن بر تنش میان پاکستان – هند و افغانستان – پاکستان، با هدف نامن کردن منطقه برای چین و اختلال در مسیر کربدوری پکن است. ترامپ ماه گذشته رهبران آسیای میانه را در کاخ سفید جمع و قراردادهای تجاری با آنها امضا کرد. در این فضا قدرت‌های بین‌المللی، جهت‌گیری جدیدی را در سیاست‌های نظامی – امنیتی و دیپلماسی خود اعمال می‌کنند. در این چارچوب است که شراکت راهبردی چین – ایران یا روسیه – ایران قابل تعریف است و با الگوهای

جام جهانی ۲۰۲۶ قرار بود نقطه اوج تاریخ فوتبال باشد؛ نخستین دوره با ۴۸ تیم، ۱۰۴ بازی و مشارکت ۳ کشور قاره آمریکا. ایالات متحده نقش محوری دارد و ۸۲ مسابقه در این کشور برگزار می‌شود؛ اتفاقی که می‌تواند سود اقتصادی، گردشگری و رسانه‌ای عظیمی به همراه داشته باشد اما با بازگشت دوباره دونالد ترامپ به قدرت، روای بزرگ فیفا با سرعت نگران‌کننده‌ای به سمت بحران می‌رود؛ بحرانی که ریشه‌اش نه در فوتبال، بلکه در سیاست‌های تند، تصمیمات مهاجرتی و نگاه جنجالی ترامپ به همسایه‌ها و شهرهای آمریکا است. اصلی‌ترین دردرس، سیاست‌های مهاجرتی بشدت سختگیرانه دولت وی است. تعلیق ویزا برای ۱۹ کشور – از جمله ایران و هائیتی، ۲ تیم حاضر در جام – تصویر بسیار تلخی از میزبانی به جهان ضربه‌ای کرده. ایران حتی تهدید به تحریم مراسم قرعه‌کشی کرد. هر چند دولت ایالات متحده برای کاهش بحرانی که رئیسش ایجاد کرده، طرح «فیفاپاس» را معرفی کرده و وعده داده در خواست ویزای دارندگان بلیت سریع‌تر بررسی شود اما وزیر خارجه آمریکا

ادامه از صفحه اول
۱۰ کشور عضو سازمان همکاری شانگهای شامل ایران، روسیه، چین، هند، پاکستان، قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان، ازبکستان و بلاروس در این رزمایش حضور داشتند. در نگاه اول به نظر می‌رسد انتخاب استان آذربایجان شرقی به عنوان محل برگزاری این رزمایش اتفاقی نبوده است. این منطقه در نقطه تلاقی ۳ مسیر راهبردی منطقه‌ای و جهانی قرار دارد: کریدور بین‌المللی شمال – جنوب، مسیرهای انتقال انرژی از حوزه خزر به خلیج‌فارس و بندر چابهار و در نهایت، نزدیک‌ترین نقطه از خاک ایران به منطقه حساس قفقاز جنوبی و آسیای میانه نیز محسوب می‌شود. با توجه به این مساله، همچنین ورود آمریکا به این منطقه با مداخله در قفقاز جنوبی و راه‌اندازی دالان موسوم به ترامپ، ایران با انتخاب این منطقه برای برگزاری این رزمایش، این پیام را مخبره کرد که قادر است امنیت این مسیرهای حیاتی تمنی و بین‌المللی را در برابر هر گونه تهدید تروریستی، خرابکاری یا عملیات نیابتی تضمین کند. در حقیقت رزمایش «سهند ۲۰۲۵» به همپیمانان شرقی ایران اطمینان می‌دهد ایران یک ضامن امنیتی قابل اعتماد است.



دیدگاه